

## مطالعه تطبیقی نگره اسلامی و غربی به پیش‌داوری

مرضیه محمص \*

### چکیده

پیش‌داوری، به معنای نگرش منفی درباره گروه‌های دیگر و یا اعضای آنها، یکی از موضوعات مهم روان‌شناسی اجتماعی است. با توجه به آن که از یک سو همبستگی و انسجام در جوامعی که از قومیت‌ها، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متعدد تشکیل شده‌اند، متأثر از کیفیت ارتباطات کارآمد و موثر میان افراد است و از سوی دیگر، اخلاق اسلامی دربردارنده تمامی معیارهایی است که در سایه تفکر توحیدی، رشد و تعالی را در ابعاد گوناگون تعاملات اجتماعی انسان فراهم می‌کند، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نگره اسلامی چه مواجهه‌ای با موضوع پیش‌داوری دارد؟ در پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی - مقایسه‌ای، پس از تبیین گستره مفهومی پیش‌داوری از منظر روان‌شناسان اجتماعی غربی و اسلامی، عوامل موثر بر تکوین پیش‌داوری دسته‌بندی می‌شود. در پایان مطالعه این نتیجه به دست آمد که هر چند آموزه‌های اسلامی و غربی در زمینه شناسایی عوامل موثر بر تکوین پیش‌داوری، نگره‌ای نزدیک به یکدیگر دارند، اما از رهگذر مذاقه در منابع اسلامی که دربردارنده تجویزهای سلبی و ایجابی درباره پیش‌داوری هستند، می‌توان مرزهای این مفهوم را بازشناسی کرد.

### کلیدواژه‌ها

پیش‌داوری، دیدگاه اسلامی، دیدگاه غربی، اخلاق اجتماعی.

## مقدمه

پیش‌داوری، به معنای نگرش منفی درباره گروه‌های دیگر و یا اعضای آن‌هاست. نگرش پیش‌داورانه نسبت به یک گروه سبب می‌شود که اعضای آن به گونه‌ای منفی ارزیابی شوند. در سطح شناختی، پیش‌داوری با انتظاراتی مبنی بر این که اعضای یک گروه، رفتاری منفی مرتکب خواهند شد، همراه است. مطالعات آلپورت گوردون در کتاب ماهیت پیش‌داوری، زمینه‌ساز شکل‌گیری مجموعه‌ای از پژوهش‌های روان‌شناسان اجتماعی پیرامون پیش‌داوری و ساختارمندی این بحث شده است.

درباره علل پیش‌داوری گاهی اظهار می‌شود که این پدیده به حدی شایع و جهان‌شمول است که می‌توان آن را در زندگی اجتماعی انسان، امری عادی دانست. برخی معتقدند؛ بیزاری از ناهمانند، در طبیعت انسان نهفته است و به همین جهت، پیش‌داوری را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که انسان در مقابله با آن ناتوان است. نبودن پیش‌داوری در کودکان خردسال مؤید آن است که یادگیری در پدیدایی پیش‌داوری موثر است و رفتاری اکتسابی به شمار می‌آید (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ص ۲۰۱).

اخلاق اسلامی، به مثابه خط‌مشی انسان، نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری رفتار پیروان خویش دارد. بنابراین پاسخ‌گویی به این پرسش ضرورت می‌یابد که الگوی نظری و عملی اسلام در زمینه پیش‌داوری، مورد واکاوی قرار گیرد. در این پژوهش سعی شده، با استفاده از روش تطبیقی - مقایسه‌ای، پس از تبیین نگرش روان‌شناسان اجتماعی غربی به موضوع پیش‌داوری دینی، نگره اخلاق اسلامی نیز، بر اساس منابع معتبر تحلیل شود.

لازم به ذکر است، موضوعات ذیل روان‌شناسی اجتماعی در بسیاری ابعاد، هنوز مورد کاوش اخلاق پژوهان اسلامی قرار نگرفته است. پرسش‌هایی از این قبیل که آیا مسائل مختلف در حوزه روان‌شناسی اجتماعی به‌طور مستقل مورد اهتمام اخلاق اسلامی بوده است؟ آیا در این نوع موضوعات می‌توان بر مبنای نگرش اسلامی، الگویی کاربردی ارائه داد؟ تبیین الگوی اخلاق اسلامی در زمینه پیش‌داوری به عنوان یکی از مسائل مورد ابتلا در تعاملات میان‌فردی، از طریق تحقیق و استنباط آنها از منابع اصلی اسلامی ضرورت دارد.

هر چند موضوع نوشتار حاضر، مورد واکاوی قرار نگرفته، لکن در مقالات ذیل اندکی به حوزه مفهومی پیش‌داوری توجه شده است: مقاله «اعتماد اجتماعی رهاورد هنجارهای دینی و ارزش‌های اخلاقی» از افسانه ادیسی و همکاران در سال ۱۳۹۱، رعایت اخلاقیات را بعد از مولفه دینداری و مقبولیت اجتماعی در تحقق اعتماد اجتماعی تأثیرگذار معرفی کرده است. پژوهش‌های توصیفی - علی «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم‌یافته»، امیرخادم علی‌زاده و علی افسری سال ۱۳۹۵ و «تأثیر فضایل انسانی مثبت‌نگر بر اعتماد اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان»؛ رومینا امیری و همکاران در سال ۱۳۹۵، نیز به‌طور کلی تأثیر فضایل اخلاقی و هم‌چنین مناسک اسلامی بر اعتماد اجتماعی را رصد کرده‌اند و نتایج مطالعات میدانی آنان در عینی‌سازی پژوهش حاضر موثر است. با عنایت به پیشینه پژوهشی فوق، برای بررسی دقیق‌تر عوامل تأثیرگذار بر پیدایش پیش‌داوری و ترسیم مرزهای اخلاقی آن بر مبنای مطالعه دقیق منابع اسلامی، انجام پژوهشی مستقل ضروری به نظر می‌رسد.

## ۱. گستره مفهومی پیش‌داوری در نگره غربی

واژه پیش‌داوری<sup>۱</sup> به معنای از پیش قضاوت کردن، قضاوت منفی و سوگیرانه به نفع برخی افراد یا گروه‌هاست. پیش‌داوری، حکمی مقدم بر تجربه و یا واکنشی است که شخص، نسبت به فردی یا چیزی قبل از هر گونه تجربه واقعی انجام می‌دهد (کلاین برگ، ۱۳۴۶: ص ۴۵). در تعریفی دیگر نگرش غیرمنصفانه منفی درباره یک گروه اجتماعی یا فردی که به عنوان عضو آن گروه تلقی شود، پیش‌داوری نامیده شده است (Dovidio, 2001: p.824) ارونسون، پیش‌داوری را نگرشی منفی و خصمانه نسبت به گروهی مشخص، بر اساس تصمیم‌های ناشی از اطلاعات ناقص یا نادرست می‌داند (ربانی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۳). استروب و اینسکو در مقاله‌ای با عنوان: «تصورات قلبی، پیش‌داوری و تبعیض» یادآور می‌شوند که پیش‌داوری، به معنای داشتن نگرش منفی درباره گروه‌های دیگر و یا اعضای آنهاست که

1. Prejudice.

معمولاً بر پایه تصورات قالبی منفی ارزیابی می‌شوند (Stroebe, 1989: p.30). به عبارت دیگر، پیش‌داوری، دوست‌داشتن یا بیزاری از افراد به دلیل عضویت آنان در یک گروه اجتماعی است که معمولاً بیشتر به سوگیری منفی اشاره دارد (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ص ۱۸۳).

پیش‌داوری، منعکس‌کننده قضاوت زود هنگام، پندار یا احساس ویژه نسبت به یک موضوع است که معمولاً قبل از جمع‌آوری و بررسی اطلاعات لازم پدید می‌آید و بر شواهد ناکافی یا حتی خیالی مبتنی است و در بسیاری موارد ممکن است بدون تجربه یا اطلاع دقیق و تحت تأثیر عوامل گوناگون، تعابیر و توصیفات خاصی در ارتباط با دیگران به کار رود. بنابراین توجه به تجاربی که موجب ایجاد درک و تصورات خاص نسبت به دیگران می‌شود، بسیار اساسی است (اشرف نظری، ۱۳۹۵: ص ۱۷).

به عقیده محققان، از طریق پیش‌داوری بدون کسب شناخت کافی، به برخی افراد و گروه‌ها اولویت داده می‌شود و برخی دیگر طرد می‌شوند. مبنای این پیش‌داوری‌ها، ممکن است عوامل مادی (جایگاه اقتصادی)، تفاوت‌های ظاهری (رنگ پوست، خصوصیات جسمانی و هوش)، جنسیت (زن و مرد)، سن (جوان و سالمند)، ملیت، مذهب و نژاد باشد. فرق پیش‌داوری و سوء تفاهم این است که پیش‌داوری در فرد از بین نمی‌رود و از جنبه منفی به مثبت تبدیل نمی‌شود، اما در سوء تفاهم پس از رویارویی با واقعیت، نتیجه‌گیری فرد تغییر می‌کند (ستوده، ۱۳۸۷: ص ۱۷۰). نگرش پیش‌داورانه نسبت به یک گروه، موجب می‌شود که اعضای آن به گونه‌ای منفی ارزیابی شوند. در سطح شناختی، پیش‌داوری با انتظاراتی مبنی بر این که اعضای یک گروه به رفتار خاصی (اغلب منفی) دست خواهند زد، مرتبط است. در سطح هیجانی، پیش‌داوری با احساسات منفی پیوند می‌خورد و در حوزه رفتاری، پیش‌داوری با اجتناب مرتبط است (راتوس، ۱۳۸۶: ص ۷۷۲).

بر اساس مؤلفه‌هایی که در تعاریف پیش‌گفته از پیش‌داوری، به دست آمد، غرض از این اصطلاح در پژوهش حاضر، فرآیندی است که از تصورات معین ذهنی پیرامون یک فرد صرفاً بر اساس عضویت وی در گروهی خاص و چه‌بسا توأم با تحریفات شناختی آغاز می‌شود و به رفتارهای نامطلوب، منفی، غیرمنصفانه و جزم‌اندیشانه می‌انجامد.

## ۲. عوامل موثر در تکوین پیش‌داوری در نگره غربی

هر یک از مفاهیم، بازنمایی یک مقوله از اموری است که به یکدیگر تعلق دارند. مفاهیم مربوط به موضوعات اجتماعی، این امکان را ایجاد می‌کنند که رفتارها و رخدادها طبقه‌بندی شوند. مطالعات روان‌شناسان اجتماعی درباره عوامل موثر بر پیدایش پیش‌داوری حاکی از آن است که عوامل ذیل در شکل‌گیری پیش‌داوری به نحو معناداری اثرگذار است:

### ۱-۲. نگرش‌های فرهنگی

برخی نظریه‌پردازان معتقدند که در عرصه اجتماعی، افراد بر اساس شئون، وضعیت اقتصادی، جایگاه، منزلت اجتماعی تقسیم شده‌اند. این طبقه‌بندی ناشی از تمایل به ساده‌سازی است؛ زیرا همگان تمایل دارند تا جایی که ممکن است، افراد را در چارچوب طبقه‌بندی‌های مختلف از یکدیگر متمایز کنند. این تمایل می‌تواند تصورات افراد را مخدوش کند و سوگیری‌هایی را با هدف ایجاد تمایز میان اعضای گروه خود و دیگری ایجاد نماید (Stangor, 2009: p.67).

در مطالعات مرتبط با موضوع پیش‌داوری دو خط اصلی فکری دیده می‌شود: یک دیدگاه بر عوامل فردی و فرایندهای روان‌شناختی تأکید می‌کند و نسبت به عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر در بروز پیش‌داوری بی‌توجه است و در دیدگاه دیگر پیش‌داوری تنها نتیجه هنجارهای فرهنگی تلقی می‌شود (دیوی، ۱۹۸۳، به نقل از طاهرپور، ۱۳۸۴: ص ۳۴). دیدگاه‌های کنونی درباره پیش‌داوری بر اساس سازه‌بنیادی روان‌شناختی - اجتماعی نگرش پدید آمده‌اند. با وجود توافق بسیار در مورد نگرشی بودن پیش‌داوری، درباره مفهوم نگرش اختلاف نظر وجود دارد. روان‌شناسان دو مدل کاملاً متفاوت از مفهوم نگرش را به کار گرفته‌اند. در مدل تک‌عنصری، به مفهوم نگرش به عنوان یک جهت‌گیری عاطفی نسبت به موضوع در بُعد مطلوب - نامطلوب نگرسته شده است. در مدل سه‌عنصری، نگرش‌ها در سه بُعد؛ شناختی، عاطفی و رفتاری که مرتبط با یکدیگرند، تعریف شده‌اند. به این صورت که نگرش‌ها، ارزیابی‌های کلی درباره موضوعاتی هستند که از سه منبع اطلاعاتی: شناختی، عاطفی و رفتاری حاصل می‌شوند و منبع و آماج پیش‌داوری را در سطح فردی و گروهی تعیین می‌نمایند (برونر، ۱۹۹۴، به نقل از طاهرپور، ۱۳۸۴: ص ۲۰).

به منظور توصیف و علت‌یابی پیش‌داوری، نظریه‌هایی در سطح روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مطرح شده است. این نظریه‌ها را می‌توان در چهار سطح: فردی، شناختی، انگیزشی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. از مهم‌ترین نظریه‌ها در سطح فردی، نظریه شباهت باور است که آن مطرح می‌شود که نبود شباهت ادراک شده در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای گروه، مکانیزم روان‌شناختی زیربنایی پیش‌داوری است. بنابراین، گروه‌های غیر خودی هرچه بیشتر باورهایی متفاوت با خود فرد داشته باشند، با مطلوبیت کمتری مواجه می‌شوند. مطالعات نیز نشان می‌دهند که داشتن باورهای یکسان، تأثیر تفاوت‌های نژادی را در تعیین دوستی و پذیرش میان‌فردی در موقعیت‌های بدون فشار اجتماعی و رقابت میان گروهی می‌پوشاند. انتقاد عمده به این نظریه آن است که در این نظریه، کاملاً روشن نیست که آیا عدم تشابه باورها تنها عاملی است که به پیش‌داوری منجر می‌شود، یا آن که نبود انواع دیگر شباهت نیز می‌تواند همان اثر را داشته باشد. در این باره، یافته‌های متناقضی وجود دارد. با وجود انتقادهای وارد شده به این نظریه، شواهد تجربی زیادی آن را تایید می‌کنند و هم‌چنین برخی مطالعات قوم‌نگارانه و بین فرهنگی رابطه نزدیک بین نبود شباهت میان گروهی و طرد را نشان داده‌اند.

در واقع، پیش‌داوری بر اساس منطق و واقعیت نیست، بلکه بر پایه مجموعه‌ای از فرضیات، مفاهیم نیمه‌درست و گمانه‌زنی‌ها شکل می‌گیرد و مبتنی بر تعمیم غلط و انعطاف‌ناپذیر است. بخش عمده‌ای از پیش‌داوری به صورت ناآگاهانه انجام می‌شود و در فرضیات قالبی روزمره در مورد سایرین نمود پیدا می‌کند. این تعمیم‌ها، رفتار ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سبب می‌شود که در مورد بخش‌های مختلف اجتماع تبعیض قائل شویم و یا حقایقی را به غلط تعمیم دهیم. این امر نتیجه تمایل طبیعی ما برای قالب‌بندی جهان به منظور معنادادن به آن است.

## ۲-۲. قدرت‌طلبی

انسان، علی‌رغم حداکثر تلاش خود برای داوری صحیح در مورد دیگران، دچار خطا می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد در هنگام تهیج و برانگیختگی، درباره مسائل غیر دقیق می‌اندیشند (آرونسون، ۱۳۸۴: ص ۷۰). هم‌چنین تحقیقات مویدا این موضوع

هستند که پیش‌داوری‌های ما تا چه حد بر ادراک‌ها، تفسیرها و نحوه یادآوری ما تأثیر می‌گذراند. پیش‌تصورات ما نحوه ادراک و تفسیر اطلاعات را هدایت می‌کنند (مایرز، ۱۳۹۳: ص ۱۲۸).

در سطح فردی، تفاوت‌های فردی موجود در گرایش‌های زیربنایی شخصیت قدرت‌طلب، نقش اساسی را ایفا می‌کند. در واقع، قدرت‌طلبی یک تفاوت فردی است که شامل تسلیم قدرت‌طلبانه، پرخاشگری قدرت‌طلبانه است. منظور از تسلیم قدرت‌طلبانه، تسلیم‌شدن در برابر قدرت‌مندان، پذیرش کلی سخنان و اعمال آنان و تمایل کلی برای اطاعت از دستورالعمل‌های آن‌ها بدون انگیزه دیگر است. منظور از پرخاشگری قدرت‌طلبانه، ایجاد هرگونه صدمه عمدی به دیگران همراه با این باور است که صاحبان قدرت آن را تایید می‌کنند و یا به ارائه آن یاری خواهند رساند. نتایج به‌طور عمده نشان داده‌اند که بین قدرت‌طلبی و پیش‌داوری به صورت‌های مختلف، همبستگی مثبتی وجود دارد (Adorno, 1975: p.45).

در سطح انگیزشی یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها، نظریه هویت اجتماعی است. براساس این نظریه، حتی در غیبت رقابت بین گروه‌ها، فرایندهای روان‌شناختی درونی، تعارض میان گروهی را ایجاد می‌کنند. در این نظریه، هر قدر، فرد به میزان بیشتری خواهان برقراری و استمرار برتری‌طلبی گروه خویش باشد، احتمالاً دارای باورهای پیش‌داورانه است (Operario, 199: p.78).

ناگفته‌هویداست، چنان‌چه پیش‌داوری‌های منفی در ساحت ذهنی افراد توسعه یابد، برآیند این انگاره آن است که انواع اضطراب‌ها و پریشانی‌ها، آرامش روانی افراد را به چالش می‌کشاند و شالوده حیات اجتماعی انسان را تهدید می‌نماید.

### ۳. گستره مفهومی پیش‌داوری در نگره دینی

مفهوم پیش‌داوری در آموزه‌های اخلاق اسلامی ضمن تعابیری که دربردارنده ریشه «ظن» می‌باشد، مورد دقت نظر قرار گرفته است. واژه‌شناسان ظن را از لغات اضداد بر شمرده و معتقدند؛ بالاترین مرتبه ظن، علم و پایین‌ترین مرتبه آن توهم است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹ق: ص ۲۷۵) و بر شک، تهمت (دامغانی، ۱۳۶۶: ص ۵۵۱)، بدانندیشی و پنداشتن (تفلیسی، ۱۳۷۱ق:

ص ۱۹۸) دلالت دارد. طبرسی، ظن را حدیث نفسانی می‌داند که درون آدمی جاری شده و بر قلب او غلبه پیدا می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۴ق، ج ۱: ص ۱۲۸). ظن در اصطلاح، به معنای؛ حدیث نفسی و خطور خاطری است که از درجه توهم تا درجه علم پیش می‌رود؛ چه شواهد بر این ظن کافی باشد، چه نباشد (سهرابی‌فر، ۱۳۹۱: ص ۵۳).

ملا مهدی نراقی، سوء ظن را به گمان بدی تعریف کرده‌اند که نفس بدان مایل شود (نراقی، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ص ۳۱۸). شهید ثانی می‌نویسد: «والمراد من سوء ظن الحرام عقد القلب و حکمه علیه بالسوء من غیر یقین» (عاملی، ۱۳۹۰ق: ص ۲۰). وی ضمن اشاره به حدیث نبوی، برای تفسیح سوء ظن، به نمونه استثنایی پرداخته‌اند: «قد قال النبی ﷺ ان الله تعالی، حرّم من المسلم دمه و ماله و ان یظن به ظن السوء، فلا یستباح ظن السوء الا بما یستباح به الدم و المال و هو متیقن مشاهده او بینه عادل او ما جرى مجرى هما من الامور المفیده الیقین او الثبوت الشرعی»؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خداوند متعال، خون و مال و بدگمانی به مسلمانان را حرام نموده است، پس بدگمانی جایز نیست مگر به چیزی که خون و مال جایز می‌شود و در صورتی که از راه مشاهده و یا شهادت عادل و مانند این‌ها یقینی گردد، از اموری که مفید علم و ثبوت شرعی باشد» (همان).

علامه طباطبایی در تعریف سوء ظن حلال می‌نویسد: سوء ظنی است که دارای آثار منفی و ناپسند نیست. بدگمانی فی نفسه چیزی جز خطورات ذهنی نیست و خطورات ذهنی، تا زمانی که آثار آن در خارج دیده نشده و یا مترتب نشده باشد، هیچ حکمی ندارد؛ برای این که بسیاری از خطورات بدون اختیار وارد ذهن می‌شود و انسان تکلیفی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ص ۳۵۱). بر این مبنا، چنان چه پیش‌داوری سبب احتیاط افراد، محکم کاری در موردی که گمان برده شده، هوشیاری، فریب‌نخوردن و دفع ضرر فریب، حفظ خویش از ضررهای خوش‌باوری بی‌جا و یا اطمینان به افشاء‌کننده اسرار شود و هم‌چنین موجب تحقیق بیشتر با هدف رسیدن به حقیقت شود، شایسته است.

#### ۴. عوامل موثر بر تکوین پیش‌داوری در نگره اسلامی

انسان، در بافت اجتماعی احاطه شده و این بافت به‌طور پیچیده‌ای، بر ساحت اندیشه وی اثرگذار است. جامعه، افراد را بر اساس سازوکارهای مقایسه اجتماعی به گروه‌های



گونگون تقسیم می‌کند و در شکل‌گیری برداشت‌های مختلف، نقش اساسی دارد.

در قرآن کریم نسبت به وقوع اختلال‌های قوای حسی انسان، هشدارهای فراوانی داده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً؛ آیا آن کسی که هوس خود را به‌مثابه خدای خود انتخاب کرد و خدا از روی علم، او را گمراه کرد و بر گوش و دلش مهر نهاد و بر دیدگانش پرده افکند را دیده‌ای؟» (جائیه: ۲۳). مطابق این آیه، طیف گوناگون هوی‌پرستی‌ها موجب اختلال در ابزارهای شناختی انسان می‌شود و امکان درک صحیح واقعیات از انسان سلب می‌شود (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳: ص ۹۶). از منظر مفسران، آیه شریفه «أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ خدا بر دل و گوش‌ها و چشمان‌شان مهر برنهاده است و خود بی‌خبر هستند» (نحل: ۱۰۸)؛ دلالت بر این نکته دارد که گناهان، آثار سوئی روی حس تشخیص و درک انسان می‌گذارند و سلامت فکر را به نحو تدریجی زائل می‌نمایند و هر قدر در این راه گامی فراتر نهاده شود، پرده‌های غفلت و بی‌خبری بر دل و چشم و گوش محکم‌تر خواهد شد و سرانجام کار به جایی می‌رسد که چشم وجود دارد لکن نیک‌نگریستن محقق نمی‌شود؛ گوش وجود دارد، لکن نیک‌شنیدن صورت نمی‌پذیرد؛ لذا دریچه روح به روی همه حقایق بسته می‌شود و حیس تشخیص و قدرت تمیز که برترین نعمت الهی است، سلب می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ص ۴۲۰).

بر اساس آیه «الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَ كَانُوا لَا يَشْتَعِبُونَ سَمْعًا؛ آن کسانی که دیدگان‌شان از یاد من در حجاب بوده و توان شنیدن نداشته‌اند» (کهف: ۱۰۱)، مهم‌ترین وسیله حق‌جویی، سعادت‌یابی و درک واقعیات راستین، بر اثر اندیشه‌های غلط، تعصب‌ورزی و کینه‌توزی، در پوششی سخت و سنگین فرو می‌روند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ص ۵۵۵).

بدون تردید، خطاهای شناختی پدید آمده، امکان وقوع پیش‌داوری را افزون خواهد کرد. پیش‌داوری تأثیر بسیار مهمی در رفتارهای فردی و اجتماعی و فراگرد تکاملی انسان دارد؛ لذا چنان‌چه شناخت‌ها بر پیش‌داوری‌ها ترجیح داده شوند، رفتارها به نحو محسوسی

تغییر می‌یابند. مهم‌ترین عوامل پیش‌داوری از منظر اسلامی، عبارت است از:

#### ۱-۴. برتری طلبی

برتری طلبی، از تمایلات نفسانی است که سبب دگرگونی معیارهای ارزش‌گذاری صحیح می‌شود و تأثیر قابل‌توجهی در بروز پیش‌داوری‌ها دارد. این خصیصه باعث فراموشی بسیاری از ارزش‌های اخلاقی، از میان‌رفتن وحدت جامعه و اختلال در تعادل اجتماعی می‌شود و کیان جامعه را به خطر می‌اندازد. دگرگونی معیارهای ارزشی و اصالت‌بخشی به معیارهایی غیرواقعی، در اندیشه و گرایش‌های افراد اثر جدی می‌گذارد (سوره فتح: ۲۶؛ سوره ابراهیم: ۱۳). قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَغَلَّبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ؟» ای رسول ما! آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را آگاهانه (و پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم وی پرده ظلمت کشیده؟ پس او را بعد از خدا، دیگر که هدایت خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟» (جاثیه: ۲۳).

با توجه به آیه مذکور، انسان، در اثر پیروی از تمایلات نفسانی، بر ابزارهای شناختی خویش پرده افکنده و از درک صحیح واقعیات باز می‌ماند.

برتری طلبی، مانعی جدی در مسیر دریافت اطلاعات واقعی به شمار می‌آید. شخص متکبر، اندیشه خود را برترین اندیشه و آن را مبرا از هرگونه عیب و نقص می‌داند. این نگرش او را در داوری به اشتباه می‌اندازد (تمیمی آمدی، ۱۳۳۵، ج ۴: ص ۱۷۸). برتری‌طلبی در قالب تعصبات قومی نیز بروز می‌یابد. انسان‌های جاهل، همواره متعصب‌اند و متعصب‌اهل جنجال و هیاهوست نه اهل منطق و زمانی که جهل در دل‌ها ریشه می‌دواند، تمام زمینه‌های دیگر تعصب هم بر قلب‌ها حاکم می‌شود، قدرت‌داوری کاهش می‌یابد و انسان، قدرت تشخیص حق و باطل را از دست می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۸۵).

#### ۲-۴. شتاب‌زدگی

از منظر مفسران، در طول تاریخ، بسیاری از فتنه‌ها و نزاع‌ها، از قضاوت‌های عجولانه یا

سوگیری‌های ذهنی بی‌مدرک و نظریه‌های بدون تحقیق و علم، بروز کرده است. خدای تعالی در آیه «إفک» که درباره ارتکاب فردی به عمل منافی عفت، پیش‌داوری انجام شده بود و این شایعه در جامعه پخش شده بود و گروهی از منافقان و به‌ظاهر مسلمان‌ها می‌خواستند از این حادثه بهره‌برداری غرض‌آلودی به نفع خویش و به زیان جامعه اسلامی کنند، خداوند متعال، مؤمنانی را که در این حادثه فریب خوردند و شتاب‌زده تحت تاثیر واقع شدند، در چند آیه سرزنش قرار کرده و می‌فرماید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود گمان خیر نبردند؟!» (نور: ۱۲). جالب این که در آیه فوق، به جای این که تعبیر کند شما درباره متهم به این تهمت، باید حُسن ظن داشته باشید، می‌گوید: شما نسبت به خودتان باید حُسن ظن می‌داشتید. این تعبیر اشاره به این است که جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به منزله نفس واحدند که اگر اتهامی به یکی از آنها متوجه شود، گویی به همه متوجه شده و همان‌گونه که هر کس خود را موظف به دفاع از خویشتن در برابر اتهامات می‌داند، باید به همان اندازه از دیگر برادران و خواهران دینی خود دفاع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ص ۳۹۸). شتاب‌زدگی، روحیه تحقیق و کنجکاوی را از انسان گرفته و او را فردی زودباور و ساده‌اندیش بار می‌آورد. روابط گرم و دوستانه را در خانه و بازار و مرکز کار و همه‌جا به هم زده و مردم را نسبت به یکدیگر بدبین می‌سازد. سرچشمه قضاوت‌های عجولانه و انتخاب‌های فوری، در مورد همه کس و همه چیز است که این خود مایه انواع ناکامی‌ها و پشیمانی‌ها است (همان، ج ۱۲: ص ۱۲۱).

در قرآن کریم، کسب تجارب علمی قائم بر اندیشه‌های منطقی سلیم، منوط به آزادنمایی عقل از قید تقلید، عادات و اوهام گذشته است؛ لذا از مشرکان خواسته شده که استقلال فکری داشته باشند و گرفتار اندیشه‌های اجداد خود نباشند (سوره زخرف: ۲۳-۲۴؛ سوره بقره: ۱۷۰-۱۷۱).

قرآن مجید، ما را دعوت به این می‌نماید که حواس ظاهری و عقل را همراه هم در تجارب مادی و معنوی به کار بندیم و هر یک را متمم دیگری قرار دهیم (سجادی، ۱۳۶۳: ص ۱۳) و بدون تردید، این امر به سبب فاصله گرفتن از طیف شتاب‌زدگی‌ها محقق می‌شود. چنان‌چه انسان بتواند از پیش‌داوری پرهیز کند و منتظر بماند تا با گذر زمان به حقایق

برسد، می‌تواند زمینه ایجاد حُسن‌ظن را در خود به وجود آورد و به مرور زمان به آن دست یابد. در بیشتر زمان‌ها، پیش‌داوری مقرون به علم نیست، بلکه تنها گمانه‌زنی است که این هم به نوبه خود رهن حقیقت است و در نتیجه، انسان را از گام‌نهادن در راه کمال باز می‌دارد (علیزاده، ۱۳۸۷: ص ۲۶۸).

### ۳-۴. فرهنگ عمومی

فرهنگ، از مفاهیم انتزاعی است که وجودش وابسته به عناصری است که از آن انتزاع می‌شود و بر مجموعه دستاوردهای تمدن بشری و نظام اندیشه‌ای و ارزشی موثر بر رفتارهای فردی و اجتماعی دلالت دارد. گستردگی مفهومی فرهنگ، سبب ارائه تعاریف متنوعی از این واژه شده است (ر.ک: محسنی، ۱۳۶۶: ص ۱۶۴؛ پورعزت، ۱۳۸۵: ص ۲۰-۱۶) فرهنگ، شامل الگوهای آشکار و پنهان رفتاری است که با نمادها، اعمال و توفیقات نهادینه‌شده گروه‌های متعدد انسانی و آنچه شامل دست‌ساخته‌های انسان می‌شود، به دست آمده و انتقال می‌یابد (سلیمی، ۱۳۷۹: ص ۲۷). فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در آن تمامی افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها و ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می‌شود و به کمک آن، انسان از جهات گوناگون با مردم پیرامونش هم‌رنگی و هماهنگی می‌یابد (منصوری، ۱۳۷۰، ج ۳: ص ۱).

صاحب‌نظران غربی معتقدند؛ در هر فرهنگ، هر اندیشه و باوری از کارکردی حیاتی برخوردار است و نوعی الگوی جمعی است که اعضاء یک جامعه را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد (پهلوان، ۱۳۸۲: ص ۸۰) و به انسان امکان حیات عقلانی، قضاوت نقادانه و احساس تعهد اخلاقی می‌بخشد تا توان بروز خود را پیدا کند (بابایی، ۱۳۸۴: ص ۲۱)؛ هر چند توافق جامعه‌شناسان بر یک معنای واحد از فرهنگ، رخ نداده است، لکن تعریف ذیل، مؤلفه‌های بنیادین در تعریف‌های متعدد را شامل می‌شود: ارزش‌ها، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه، مشتمل بر سنت‌ها، آداب و رسوم، مذاهب، ایدئولوژی‌ها، تشریفات مذهبی، میراث، زبان و کلیه عادت‌ها یا دیدگاه‌های مشترک دیگر. اساسی‌ترین نقش فرهنگ، نظام‌بخشی به رفتارها و کردارهای افراد جامعه و تربیت آنها بر اساس الگوهای هنجاری خاص و نیز شکل دادن به شخصیت آن‌هاست.

هنجارهای فرهنگی که در ابعاد گسترده‌ای مطرح می‌شوند، هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی گسترش یافته‌اند. یک هنجار فرهنگی، در واقع، یکی از معیارهای تثبیت شده اموری است که گروه از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد و این چشم‌داشت‌ها و رفتارهای ناشی از آنها از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت دارد. این هنجارها، ملکه ذهن فرد می‌شوند و او دیگر درباره درستی یا نادرستی و شایستگی و ناشایستگی آنها تردیدی روا نمی‌دارد و بر اثر ذهنی شدن آن‌ها، رفتار خود را با سرسختی ادامه می‌دهد (کوئن، ۱۳۷۴: ص ۳۸). این امری طبیعی است که انسان به کار غلطی که ادامه دهد به تدریج، با آن انس می‌گیرد. نخست یک حالت است، بعداً یک عادت می‌شود، آنگاه مبدل به یک ملکه می‌گردد. گاه کارش به جایی می‌رسد که بازگشت بر او ممکن نیست، اما چون خود آگاهانه این راه را انتخاب کرده است، مسئول تمام عواقب آن می‌باشد، بی‌آنکه جبر لازم آید، درست همانند کسی که آگاهانه با وسیله‌ای چشم و گوش خود را کور و کر می‌کند تا چیزی را نبیند و نشنود (ایازی، ۱۳۹۳: ص ۳۴).

بدون تردید، فرهنگ عمومی که پیش‌داوری درباره افراد و گروه‌ها را تشویق می‌کند، به نوعی ترویج‌دهنده این رفتار به شمار می‌آید. آموزه‌های قرآنی با روش‌های متنوعی رعایت اعتدال در مناسبات اجتماعی را ترویج نموده و پیروی از فرهنگ غلط پیشینیان را خطا می‌شمارد. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَ جَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا؛ چون کار زشتی کنند، گویند: پدران خود را نیز چنین یافته‌ایم و خدا ما را بدان فرمان داده است» (اعراف: ۲۸). لذا تصریح می‌شود که پای‌بندی به روش‌های نادرست پیشینیان، نشانگر کاستی ایمان است. گاهی انحرافات انسان، برای نسل‌های بعدی، الگو می‌شود و منحرفان، بار گناه نسل‌های آینده را نیز به دوش می‌کشند. بر این مبنا، روش گذشتگان، همیشه ارزشمند نیست و تقلید مطلق و نابجا از پیشینیان مطلوب نخواهد بود (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ص ۲۹۷).

آموزه‌های قرآنی به صراحت شیوه مواجهه روشمند با موضع‌گیری‌های فاقد بنیان‌های موثق را ترسیم نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، تحقیق کنید، مباد از روی نادانی به مردمی آسیب برسانید، آن‌گاه از کاری که کرده‌اید، پشیمان شوید» (حجرات: ۶). مطابق این آیه، هر گونه پیش‌داوری و

اقدام شتاب زده و بدون واکاوی مستندات، نوعی جهل ورزی به شمار می آید و زمینه ساز بروز نابسامانی های اجتماعی است.

می توان اذعان داشت، فرهنگ عمومی در بروز پیش داوری نقش اساسی ایفا می نماید و پیش داوری، به مثابه یک رفتار اکتسابی که همچون دیگر رفتارها آموخته می شود، می تواند زمینه انحراف از مرزهای انصاف و عدالت را فراهم آورد.

### ۵. مرزهای پیش داوری در اخلاق اسلامی

محققان، مهم ترین مسئله در بحث شناخت را دستیابی به معیارها، راهها و روش هایی می دانند که ما را در کسب آگاهی واقع نما کمک کنند (بهشتی، ۱۳۹۰: ص ۴۳-۴۴). تأکید قرآن بر جنبه های شناختی انسان (سوره اعراف: ۱۷۹)، موجب شده تا مجموعه مشکلات ناشی از شناخت، انسان را در جایگاهی فروتر از حیوان قرار دهد (سوره انفال: ۲۲) به اعتقاد قرآن پژوهان تا مقدار شناخت بشر از خود و خارج خود تبیین نشود، هرگز طرح مسائل فلسفی و کلامی و مانند آن سودی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ص ۲۱). با دقت در تعالیم اخلاقی دینی، روشن می گردد که دین در تعیین دورنمایی جامع از شناخت های صحیح و مبتنی بر باورهای توحیدی، مخاطبان را به منش توحیدی سوق می دهد (فاطر: ۲۰).

بنابراین عنایت به معیارها و سنجه های ارزشی در تبیین مرزهای پیش داوری، از آن رو دارای اهمیت است که پیامدهای اخلاقی وابسته به آن است. غفلت از مرزها، تخریب تعاملات گروهی را در پی خواهد داشت.

با توجه به آن که یکی از زمینه های پیش داوری درباره دیگران، بروز خطا در ساحت شناختی انسان است، در نوشتار حاضر، رخدادهای پیش داوری در منابع اسلامی با توجه به کاربرست (ظن) مورد بررسی قرار می گیرد. از رهگذر توصیف های موجود از مفهوم و مصادیق ظن در آموزه های دینی، می توان توجه اسلام به این موضوع را در دو مجموعه گنجانند:

### ۱-۵. تجویزهای سلبی پیش داوری در آموزه های دینی

منظور از تجویزهای سلبی، دستورالعمل های روشنی است که بر ترک بعضی امور و

منفی بودن آن‌ها صادر شده است. در ادامه نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

«انّ المؤمن، اخ المؤمن؛ لایثتمه و لایحرمه و لایسیء به الظن؛ مومن، برادر مومن است؛ او را دشنام نمی‌دهد، محروم نمی‌کند و به او بدگمان نمی‌شود» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۵۲۶). «سوء ظن یفسد الامور و یبعث علی الشرور؛ بدگمانی، کارها را نابود می‌کند و سبب بدی‌ها می‌شود» (آمدی، ۱۳۳۵ق: ص ۲۶). «لا یغلبن علیک سوء الظن؛ بدگمانی، هرگز بر تو چیره نشود» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ص ۱۴۳). «من لم یحسن ظنه استوحش من کل احد؛ کسی که گمانش را نیکو نگرداند، از هر فردی وحشت می‌کند» (آمدی، ۱۳۳۵ق: ص ۲۵۹). «ایاک و الظن فان الظن اکذب الکذب؛ از گمان بد، دوری نما که گمان، دروغ‌ترین دروغ است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸: ص ۳۸). «ایاک ان تسیء الظن فان سوء الظن یفسد العباده؛ از بدگمانی، پرهیز که بدگمانی عبادت را فاسد می‌گرداند» (آمدی، ۱۳۳۵ق: ص ۲۶۳). «من شک او ظن فاقام علی احدهما احبط عمله؛ کسی که در امری شک یا گمان کند، سپس بر طبق شک یا ظن اقدام نماید، عملش را نابود کرده است» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق: ص ۳۸۸). «لیس من العدل القضاء علی الثقه بالظن؛ داوری از روی گمان، عدالت نیست» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۰). «سوء الظن یردی مصاحبه؛ بدگمانی، صاحبش را هلاک می‌کند» (آمدی، ۱۳۳۵ق: ص ۳۶۳). «و لایغلبن علیک سوء الظن، فانه لایدع بینک و بین اخیک صلحا؛ بدگمانی بر تو چیره نگردد که بدگمانی، بین تو و دوست تو، صلح باقی نمی‌گذارد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷: ص ۲۲۹). «من ساءت ظنونه اعتقد الخیانه بمن لا یخونه؛ کسی که گمان‌هایش بد گردد، خیانت را به انسان غیرخائن باور می‌کند» (آمدی، ۱۳۳۵ق: ص ۲۶۴). «سوء الظن بالمحسن شر الائم و اقبح الظلم؛ بدگمان‌شدن به شخص نیکوکار، بدترین گناه و زشت‌ترین ظلم است» (همان).

## ۲-۵. تجویز ایجابی پیش‌داوری در آموزه‌های دینی

در نگره دینی، «حسن الظن من احسن الشیم و افضل القسم؛ حُسن ظن، از بهترین خوی‌ها و برترین بهره‌مندی‌ها است» (همان)، «حُسن الظن من افضل السجایا و اجزل العطايا؛ حُسن ظن، از بهترین صفات انسانی و پُربارترین مواهب الهی است» (همان). «حُسن الظن یخفف الهم و ینجی من تقلد الائم؛ اندوه را سبک می‌کند و از آلوده‌شدن به گناه‌رهایی

می‌بخشد» (همان). «افضل الورع، حُسن الظن؛ خوش‌بینی، بالاترین مرتبه تقوی و پرهیزکاری به شمار می‌آید» (همان: ص ۲۶۵) و «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ، حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ؛ کسی که به مردم خوش گمان باشد، محبت آنان را به دست می‌آورد» (همان). معصومان : توصیه می‌نمایند: «خُذْ مِنْ حَسَنِ الظَّنِّ بِطَرَفِ تَرْوَحَ بِهٖ قَلْبُكَ وَ يَرْوَحُ بِهٖ أَمْرُكَ؛ از خوش‌بین بودن بهره‌ای برگیر، تا با آن دلت را آرام کنی و امورت پیش رود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷: ص ۲۳۱).

دقت در روایات، گویای آن است که آموزه‌های دینی، تعیین‌کننده چگونگی برقراری تعاملات انسانی می‌باشند. این آموزه‌ها با هدف رفع خطاهای شناختی در تعاملات میان‌فردی، به ذکر شرایط مشخصی برای گمان‌های صحیح پرداخته‌اند. در روایات متعددی، برخورداری افراد از مراتب ایمانی و اندیشه‌ای، شرط تحقق گمان صحیح محسوب می‌شود: «ظَنُّ الْإِنْسَانِ مِيزَانَ عَقْلِهِ؛ گمان انسان، ترازوی عقل او است» (همان). «ظَنُّ الرَّجُلِ عَلٰی قَدْرِ عَقْلِهِ؛ گمان مرد، به اندازه خرد اوست» (همان). «ظَنُّ ذَوِي النِّهْيِ وَالْأَلْبَابِ أَقْرَبُ شَيْءٍ مِنَ الصَّوَابِ؛ گمان پرهیزکاران و صاحبان اندیشه به راستی نزدیک است» (همان). «ظَنُّ الْعَاقِلِ أَصْحَحُ مِنَ يَقِينِ الْجَاهِلِ؛ گمان عاقل از یقین جاهل، صحیح‌تر است» (همان). «اتَّقُوا ظُنُونَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْحَقَّ عَلٰی السَّنْتَمِ؛ گمان افراد با ایمان را غنیمت دانید؛ زیرا خداوند حق را بر زبان آنان جاری می‌سازد» (نهج‌البلاغه، حکمت: ۳۰۹).

از آنجایی که خطاهای شناختی، تأثیر زیادی بر سبک رفتار و زندگی افراد دارند، در آموزه‌های دینی روش مواجهه با گمان‌ها تعیین شده است: «ضَعِ أَمْرَ أَخِيكَ عَلٰی أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ وَ لَا تَظُنُّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا؛ کار برادرت را نیک تصور کن تا زمانی که چیزی از او به تو رسد که نظرت را عوض کند و نسبت به سخنی که برادرت می‌گوید، بدگمان مباش و محملی از خیر برایش قرار ده» (کلینی، ۱۳۴۴ق، ج ۱: ص ۳۴). «لَا تَظُنُّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا؛ سخنی که از (دهان) کسی بیرون آید، باید گمان بد مبری در حالی که احتمال نیکی بر آن می‌بری» (نهج‌البلاغه، حکمت: ۳۵۲). امام علی ۷ می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِيقَةَ دِينٍ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعُنَ فِيهِ أَقَاوِيلَ الرِّجَالِ أَمَا أَنْهَ قَدْ يَرُمِي الرَّمَايَ وَ تَخْطِي السَّهَامَ؛ ای مردم! آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و



درستی راه و رسم را مشاهده کند، باید به سخنانی که این و آن درباره او می‌گویند، گوش فرا ندهد. آگاه باشید! گاهی تیرانداز، تیرش به خطا می‌رود و حدس و گمان مردم، گاهی نادرست است» (نهج‌البلاغه، خطبه: ۱۴۱).

ذکر این نکته ضرورت دارد که در ترسیم مرزهای پیش‌داوری بر اساس آموزه‌های دینی، به عناصر فرهنگی توجه وافر شده است. روشن است که بخشی از عناصر فرهنگی موجود در جوامع، هیچ اصل اثبات‌شده‌ای را مورد تبعیت قرار نمی‌دهند، بلکه صحت و مقبولیت خود را از تمایل و خواسته‌های مردم می‌گیرند. این دسته از عناصر که به تعبیر علامه جعفری، تشکیل‌دهنده «فرهنگ پیرو» (جعفری، ۱۳۸۶: ص ۱۸۶) هستند، طبیعت اصلی فرهنگ که خلاقیت و گسترش آرمان‌های زندگی در ابعاد هویت انسانی است را راکد می‌نمایند. از این‌رو، حضرت امیر 7 می‌فرمایند: «اذا استولی الصلاح علی الزمان و اهله ثم اساء رجل الظن برجل لم تظهر منه حوبه فقد ظلم و اذا استولی الفساد علی الزمان و اهله فاحسن رجل الظن برجل فقد غرر؛ هنگامی که صلاح و نیکی زمانه و مردم آن را در بر گیرد؛ در چنین شرایطی اگر کسی گمان بد به دیگری ببرد که از او گناهی آشکار نشده، بی‌تردید به او ستم کرده است، اما هنگامی که فساد بر زمان و اهل آن فراگیر شد، هر کس به دیگری گمان خوب ببرد، قطعاً خود را فریب داده است» (نهج‌البلاغه، حکمت: ۱۱۴). «اذا كان الجور اغلب من الحق، لم يحل لأحد ان يظن باحد خيرا حتى يعرف ذلك منه؛ آن هنگام که ستم بر حق چیره آمد و بیشتر شد، برای هیچ کس جایز نباشد که به کسی گمان نیک کند تا آن زمان که به نیکی او آگاهی یابد» (کلینی، ۱۳۴۴ق، ج ۵: ص ۲۹۸). «اذا كان زمان، العدل فيه اغلب من الجور فحرام ان تظن باحد سوءا حتى يعلم ذلك منه و اذا كان زمان، الجور اغلب فيه من العدل فليس لاحد ان يظن باحد خيرا ما لم يعلم ذلك منه؛ هنگامی که عدالت بر ستم غالب باشد، حرام است به کسی سوءظن ببری؛ مگر آن که بدانی که فلان کار زشت را انجام داده است و زمانی که ستم بیش از عدل باشد، کسی حق ندارد به دیگری گمان خوب ببرد؛ مگر در صورتی که خوبی وی کاملاً آشکار باشد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۱۷۸۷). بر این اساس، آموزه‌های دینی در عین حال که اعتلای حیات و شکل‌گیری و زایش ابعاد اصیل انسانی را هدف قرار داده است، مخاطبان را به هوشیاری و موقعیت‌سنجی در جریان‌های پالایش‌نیافته فرهنگی فرا می‌خواند.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان اذعان داشت، پرهیز از پیش‌داوری منفی، تعمیق پیوندهای همدلانه و گسترش فرهنگ اعتماد در جامعه را به دنبال دارد و به منزله مؤلفه‌ای پویا و درون‌زا در شکل‌گیری انسجام اجتماعی تأثیرگذار است و نیازهایی همچون آرامش روانی و گسترش روحیه مهرورزی را تأمین می‌نماید. امیرالمومنین ۷ می‌فرماید: «نفس خود را بین خود و دیگران، میزان قرار ده و برای دیگران دوست داشته باش، آنچه برای خویش دوست می‌داری و برای دیگران، چیزی را خوش نداشته باش که برای خود، خوش نمی‌داری و بر آنها ستم روا مدار؛ همان‌طور که دوست نداری کسی بر تو ستم کند و نیکی کن؛ همان‌گونه که علاقه‌مندی به تو نیکی کنند. برای خود زشت شمار، آنچه برای دیگران زشت می‌شماری و از مردم آنچه را بپسند که از خود می‌پسندی. آنچه نمی‌دانی، مگو؛ چه دانسته‌ات کم باشد و آنچه دوست نداری برایت بگویند، تو نیز مگو» (نهج‌البلاغه، نامه: ۳۱). نکته شایان توجه آن‌که با مرور تفصیلی آموزه‌های دینی می‌توان گفت؛ چگونگی پیش‌داوری‌ها در موقعیت‌های مختلف، ریشه در نظام ارزشی عاملان اجتماعی دارد؛ لذا هر چه میزان توافق ارزشی در یک اجتماع افزایش یابد، احتمال پیش‌داوری‌های مثبت بیشتر می‌شود.

چنان‌چه مشاهده شد، پرهیز از پیش‌داوری منفی به مثابه نوعی رفتار منصفانه، مستلزم درک درست پدیده‌های پیرامونی، تقسیم یکسان مزیت‌های زندگی میان خود و دیگران و قراردادن خویش در موقعیت مشابه دیگران و هم‌چنین طرد پندارهای خودخواهانه و ظالمانه است. رواج رویه‌های غیرمنصفانه، افراد را از شناخت خود، دیگران و رویدادهای اجتماعی باز می‌دارد و امکان موضع‌گیری‌های صحیح اجتماعی را از فرد سلب می‌کند.

### نتیجه‌گیری

رفتارهای اجتماعی انسان، مولود فرآیندهای پیونددهنده اندیشه‌ها و واقعیت‌ها است. در جوامعی که از قومیت‌ها، گروه‌ها و خُرده‌فرهنگ‌های متعدد تشکیل شده‌اند، کیفیت ارتباطات کارآمد و موثر بین افراد، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا چه‌بسا تأثیر فرهنگ‌ها بر شناختارهای اجتماعی، به اندازه‌ای است که پردازش سوگیرانه و ارزیابی‌های اشتباه‌آمیز به آسانی گریبان‌گیر می‌شود. بنابراین، شناسایی مرز پیش‌داوری‌های منفی در نگره اسلامی

که رستگاری باورمندان موحد را هدف قرار داده، ضرورت دارد. پیش‌داوری، به‌مثابه نگرش غیرمنصفانه منفی درباره یک گروه اجتماعی یا فردی که به عنوان عضو آن گروه تلقی شود، بازتاب‌دهنده قضاوت زود هنگام، پندار یا احساس ویژه نسبت به یک موضوع است و معمولاً قبل از بررسی اطلاعات لازم پدید می‌آید و بر شواهد ناکافی یا حتی خیالی مبتنی است و در بسیاری موارد ممکن است بدون اطلاع‌یابی دقیق رخ دهد.

در مطالعات غربی مرتبط با موضوع پیش‌داوری دو خط اصلی فکری دیده می‌شود: یک دیدگاه بر عوامل فردی و فرایندهای روان‌شناختی تأکید می‌کند و نسبت به عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر در بروز پیش‌داوری بی‌توجه است و در دیدگاه دیگر، پیش‌داوری تنها نتیجه هنجارهای فرهنگی تلقی می‌شود. نتایج پژوهش‌های روان‌شناسان اجتماعی عمدتاً نشان داده که بین قدرت‌طلبی و پیش‌داوری به صورت‌های مختلف، همبستگی مثبتی وجود دارد.

در نگاه اسلامی، برتری‌طلبی، شتاب‌زدگی و فرهنگ عمومی، مانعی جدی در مسیر دریافت اطلاعات واقعی به شمار می‌آید و بالتبع زمینه‌ساز بروز پیش‌داوری محسوب می‌شوند. نکته شایان توجه آنکه هر چند آموزه‌های اسلامی و غربی در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر تکوین پیش‌داوری، نگره‌ای نزدیک به یکدیگر دارند، اما تجویزهای سلبی و ایجابی درباره پیش‌داوری که در متون معتبر اسلامی وجود دارد، ترسیم‌کننده طرح‌واره اسلامی در این باره است. به‌طور کلی آموزه‌های اسلامی بازدارنده از پیش‌داوری به تعمیق پیوندهای همدلانه و گسترش فرهنگ اعتماد در جامعه می‌انجامد و به‌منزله مؤلفه‌ای پویا و درون‌زا در شکل‌گیری انسجام اجتماعی تأثیرگذار است؛ البته آموزه‌های دینی در عین حال که اعتلای حیات و شکل‌گیری و زایش ابعاد اصیل انسانی را هدف قرار داده است، مخاطبان را به هوشیاری و موقعیت‌سنجی در جریان‌های پالایش‌نیافته فرهنگی فرا می‌خواند.

## کتابنامه

- \* قرآن کریم، ترجمه: عبدالمحمد آیتی (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات سروش.
۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۷)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: نشر سمت.
  ۲. آرونسون، الیوت؛ تیموتی. دی. ویلسون (۱۳۸۴)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: افسانه شیخ‌الاسلام‌زاده، تهران: انتشارات ما و شما.
  ۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۳۵)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی الانصاری، قم: موسسه الطباعة و تجلید دارالکتب.
  ۴. ابن‌بابویه، علی (۱۴۰۶ق)، فقه الرضا، قم: موسسه آل‌البیت.
  ۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف‌العقول، قم: نشر جامعه مدرسین.
  ۶. اشرف نظری، علی (۱۳۹۵)، تصورات قالبی و روابط بین گروه‌های هویتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  ۷. ایازی، سیدعلی‌نقی و نیکوسادات هدایی (۱۳۹۳)، درآمدی بر مفهوم تغییرات اجتماعی در قرآن کریم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۸. بابایی، محمدباقر (۱۳۸۴)، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی ۷، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی.
  ۹. بهشتی، محمد (۱۳۹۰)، شناخت از دیدگاه فطرت، چ ۴، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله شهید بهشتی.
  ۱۰. پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، شناسایی مبانی و شاخص‌های پایدار تدوین چشم‌انداز فرهنگ کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
  ۱۱. پهلوان، چنگیز (۱۳۸۲)، فرهنگ‌شناسی، چ ۲، تهران: نشر قطره.
  ۱۲. تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۷۱)، وجوه القرآن، ترجمه: مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲)، شناخت‌شناسی در قرآن، قم: نشر اسراء.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق.)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۵. دامغانی، حسین بن محمد (۱۳۶۶)، الوجوه و النظائر فی القرآن، تصحیح: اکبر بهروز، تبریز: انتشارات دانشگاه.
۱۶. راتوس، اسپنسر (۱۳۸۶)، روان‌شناسی عمومی، ترجمه: حسین ابراهیمی و دیگران، تهران: نشر ساوالان.
۱۷. راغب اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۹)، المفردات فی الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۱۸. ربانی، رسول و محمدباقر کجیاف (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی (دیدگاه‌ها و نظریه‌ها)، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۱۹. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷)، روان‌شناسی اجتماعی، چ ۱۱، تهران: نشر آوای نور.
۲۰. سجادی، سیدمحمدصادق (۱۳۶۳)، فلسفه شناخت در قرآن کریم، تهران: بنیاد قرآن.
۲۱. سلیمی، حسین (۱۳۷۹)، فرهنگ‌گرایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۲. سهرابی‌فر، محمدتقی (۱۳۹۱)، علم، ظن و عقیده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. طاهرپور، فیروزه؛ زمانی، رضا و نیک‌چهره محسنی (۱۳۸۴)، «مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی و انگیزشی پیش‌داوری نسبت به مهاجران افغان»، مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۸، ش ۳ و ۴، ص ۲۹-۹.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق.)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: نشر ناصر خسرو.
۲۶. عاملی، زین‌الدین (۱۳۹۰)، کشف‌الریبه، چ ۳، تهران: انتشارات مرتضوی.
۲۷. علیزاده، میرزا و دیگران (۱۳۸۷)، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۸. کلاین برگ، اتو (۱۳۴۶)، روان‌شناسی اجتماعی، مترجم: علی محمد کاردان، تهران: فرانکلین.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴)، اصول کافی، قم: انتشارات دارالحديث.
۳۰. کوئن، بروس (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

۳۱. مایرز، دیوید (۱۳۹۳)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حمید شمس‌پور و شقایق زهرایی، تهران: کتاب ارجمند.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق.)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
۳۳. محسنی، منوچهر (۱۳۶۶)، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: چاپخانه باستان.
۳۴. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، میزان الحکمه، قم: نشر دارالحديث.
۳۵. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق.)، من هدی القرآن، تهران: دارمحبی‌الحسین.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، تحقیق: علی بابایی، احمد، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. منصوری، جواد (۱۳۷۰)، فرهنگ استقلال، چ ۳، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۸. نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، چ ۳، نجف: مطبعة النجف.
۳۹. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: آل‌البيت لاحیاء التراث.
40. Adorno, T. W., Frenkel-Bruswik, E., Levinson, D.J., & Sanford, R.N. (1950), *The authoritarian personality*, New York: Harper.
41. Dovidio, John F. (2001), "On the nature of contemporary prejudice: The Third wave", *Journal of social issues*, vol.57, No.4: p.629-849.
42. Operario, D., & Fiske, S. T. (1999), Integrating social identity and social cognition: A framework for bridging diverse perspectives, In . D Abramsm, & M.A. Hogg, *Social identity and social cognition*, 26-54. UK: Blackwell.
43. Stangor, Charles (2009), The study of Stereotyping, Prejudice and Discrimination with in Social Psychology: A Quick History of Theory and research , in: Nelson, Todd (2009), *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, New York: Psychology press.
44. Stroebe, W. and Insko, C.A. (1989), Stereotype, Prejudice and Discrimination, in; Bar-Tal, D. et.al (Eds) , *Stereotyping and Prejudice: Changing Conceptions*, NewYork: Springer Verlag: 3-34.